

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «انتخابات»

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۸۶

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۹



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «انتخابات»

مؤلف:

محمدحسن باقری

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۸۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۰/۹

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۳
چکیده	۴
درآمد	۵
۱. واژه شناسی	۵
۱-۱ معنای لغوی	۵
۲-۱ معنای اصطلاحی	۶
۲. مفاهیم مشابه	۷
۳. تاریخچه	۷
۴. مبانی انتخابات	۸
۱-۴ مبانی حقوقی انتخابات	۸
۴-۱-۱ حق تعیین سرنوشت	۸
۲-۴ مبانی فقهی انتخابات	۱۰
۵. انواع انتخابات	۱۲
۵-۱ انتخابات مستقیم و غیر مستقیم	۱۳

- ۲-۵ انتخابات محدود و همگانی ۱۳
- ۳-۵ انتخابات اکثریتی یک مرحله‌ای (ساده) و دو مرحله‌ای: ۱۴
- ۴-۵ انتخابات علنی و مخفی: ۱۴
- ۵-۵ انتخابات اختیاری و اجباری ۱۵
- ۶-۵ انتخابات فردی و جمعی: ۱۵
- ۷-۵ انتخابات لیست بسته و لیست باز ۱۵
۶. انتخابات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۶
- جمع بندی ۱۷
- منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر ۱۸
- منابع و مآخذ ۱۹

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

(انتخابات، الانتخابات، ELECTION)

چکیده

امروزه برگزاری انتخابات و برگزیده شدن مقامات عمومی، دولتمردان، نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای محلی توسط مردم از لوازم ضروری مردم سالاری شمرده می‌شود. نمی‌توان کشوری را یافت که مدعی مردم سالاری باشد و نهادهایی همچون انتخابات و همه پرسی در آن وجود نداشته باشد. با این همه، شیوه انتخاب زمامداران به وسیله مردم در همه نظام‌ها یکسان نیست و در کشورهای مختلف، نظام‌های انتخاباتی گوناگونی حاکم است. با توجه به حاکم بودن نظام مردم سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی با طرح اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش به عنوان یک حق خداداد، اعمال اقتدار سیاسی را در عرصه عمل منوط به پذیرش آن از جانب مردم کرده است و به دلیل عدم امکان تحقق دموکراسی مستقیم، شیوه دموکراسی غیرمستقیم یعنی گزینش حکومت کنندگان از جانب حکومت شوندگان، مورد توجه قانونگذار اساسی و عادی ایران قرار گرفته و مکانیسم «انتخابات» برای تحقق آن منظور گردیده است.

درآمد

یکی از اموری که امروزه - حداقل به صورت شعار- در اکثر نظام‌های سیاسی حاکم بر دنیا به ویژه کشورهای دموکراتیک با قدری اختلاف پذیرفته شده و از لوازم زندگی اجتماعی و سیاسی هر جامعه محسوب می‌شود، این است که انسان‌ها بتوانند سرنوشت سیاسی خویش را رقم زده و با تصمیم و اراده جمعی، چگونگی نظام سیاسی و زمامداران و همین‌طور مقررات حاکم بر جامعه خویش را تعیین کنند؛ به گونه‌ای که علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر^(۱) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^(۲) غالب قوانین اساسی کشورهای دنیا حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی مردم از طریق انتخابات را به عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین آنان پذیرفته‌اند.

در این نوشتار ابتدا به بررسی مفهوم انتخابات و ذکر تاریخچه مختصری در ارتباط با آن پرداخته، سپس مبانی فقهی و حقوقی انتخابات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بخش بعد به ذکر نمونه‌هایی از اقسام نظام‌های انتخاباتی رایج در کشورهای جهان اختصاص می‌یابد. در ادامه به بحث پیرامون برخی از مهم‌ترین شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در انتخابات خواهیم پرداخت و در انتها مقوله انتخابات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. واژه‌شناسی

در ابتدا لازم است مفهوم انتخابات در لغت و اصطلاح تبیین شود:

۱-۱ معنای لغوی

انتخاب در لغت به معنای برگزیدن چیزی، برگزیدن کسی برای کاری، برگزیدن نماینده‌ای برای مجلس (شوری و سنا)، انجمن شهر، حزب و انجمن‌های دیگر می‌باشد و انتخابات جمع انتخاب می‌باشد (معین، ۱۳۸۵: ۳۶۳).

همچنین انتخابات از لحاظ لغوی معانی مختلف دیگری نیز دارد که از جمله آنها

۱. (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ ماده ۲۱)

۲. (مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۶۶ ماده ۲۵)

می‌توان به بیرون کشیدن، عمل گزینش و انتخاب کردن (عمید، ۱۳۸۵) نخبه کردن، پسند، اختیار، برگزیده و منتخب (دهخدا ۱۳۸۵: ۲۴۳) اشاره نمود. این واژه معادل کلمه «Election» در زبان انگلیسی می‌باشد و در معنای رأی دادن، انتخاب، گزینش و انتخاب نماینده به کار می‌رود (جعفر زاده، ۱۳۹۰، Election). در زبان عربی نیز واژه «الانتخابات» از باب افتعال و از ریشه «نخب»، به معنای برگزیدن و انتخاب کردن است (جیرارکورنو ۱۹۹۸: ۲۹۱)

۱-۲ معنای اصطلاحی

انتخابات، مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان و تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت تدبیر شده است، از این دیدگاه انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین زمامداران و نمایندگان است و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳: ۶۷۹). در مقابل بیان شده است اگر بدون رأی دادن شخصی را به مقامی گمارند، این را «انتصاب» گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۳۶). از نظر اصطلاحی انتخابات پیوند عمیقی با نظام‌های دموکراتیک و مردمی دارد، به عبارت دیگر انتخابات ساز و کاری برای شکل گیری یک نظام، انتخاب مقامات و نهادهای سیاسی یا شکلی از فرآیند تصمیم گیری در جامعه به طور جمعی است که در آن رأی دهندگان تصمیم می‌گیرند که کدام حزب یا کاندیدا مسئولیت اداره عمومی را به دست گیرد. (روزه ریچارد، ۲۰۰۰: ۳۶). همچنین در برخی از تعاریف، از انتخابات به عنوان نیروی حیات بخش نظام دموکراتیک یاد شده است، چرا که ایجاد کننده مذاکرات و مباحث عمومی، شکل دهنده برنامه و شعارهای سیاسی، تعیین کننده ترکیب پارلمان و تأثیرگذار بر توزیع قدرت در حکومت می‌باشد (لی دیوس لرنس، ۲۰۰۲: ۱).

با توجه به تعاریف فوق و تعاریف دیگر مطرح شده پیرامون انتخابات می‌توان گفت «انتخابات ساز و کاری برای شکل گیری یک نظام سیاسی و انتخاب مقامات و نهادهای سیاسی است. با چنین نگرشی، انتخابات به عنوان ابزار و مکانیسم تصمیم گیری جمعی و در خدمت اراده مردم برای تأسیس حکومت و پرکردن کرسی‌های نمایندگی در نظام مردم سالاری می‌باشد.»

۲. مفاهیم مشابه

یکی از مفاهیمی که در ادبیات حقوقی از لحاظ مفهومی به واژه «انتخابات» نزدیک است واژه «همه پرسی» می‌باشد. همه پرسی، رجوع به آرای عمومی و مشورت گرفتن از مردم درباره لزوم یا عدم لزوم و همچنین شکل و محتوای قاعده‌ای از قوانین عادی و یا اساسی است. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۳۳۱). همه پرسی ممکن است الزام آور یا مشورتی باشد. در مورد اخیر ممکن است نظر مردم که از سوی حاکمان در امور قانونگذاری عادی استعلام شده مورد پیروی قرار نگیرد. ولی در عمل تجربه نشان داده که برای حکومت، عدم تبعیت از نظر مردم دشوار خواهد بود. (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۸۵) در صورتی که موافقت مردم با متن همه پرسی شده به منزله تصویب و لازم الاجرا شدن قانون باشد آن را «همه پرسی تصویبی» گویند. البته بسا اتفاق افتاده است که مراجعه به آراء عمومی، در خصوص موضوع معین و مشخص که حتی ظاهری غیر شخصی نیز دارد، منجر به ابراز عقیده در باب مقام مراجعه کننده به همه پرسی می‌گردد، یعنی از حالت اعمال حاکمیت مستقیم به اعلام اعتماد عمومی نسبت به رئیس مملکت یا شخصیت سیاسی تغییر ماهیت می‌دهد. در این صورت رجوع به آراء عمومی را «پله بیسیت»^(۱) می‌نامند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۳۳۱).

۳. تاریخچه

با ملاحظه تاریخ حقوق در می‌یابیم که نخستین سنگ بنای انتخابات به معنای امروزی کلمه در بریتانیا گذارده شده است. اما استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن، در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی به‌ویژه با تصویب قانون اساسی آمریکا و فرانسه و پذیرش نظریه نماینده سالاری و ایجاد رژیم‌های نماینده‌ای و متعاقب ظهور نظریه حاکمیت ملی انجام پذیرفت. امروزه به جز چند خرده دولت مانند چند کانتون سوئیس و یا چند ایالت در آمریکای شمالی اعمال دموکراسی به صورت مستقیم کاربرد نداشته و اکثر قریب به اتفاق کشورهای مردم سالار جهان نظریه انتخابات و نظریه گزینش فرمانروایان و نمایندگان مردم را از راه انتخابات پذیرفته‌اند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۵۷۸). ایران نیز سابقه‌ای یکصد و چند ساله در برگزاری انتخابات دارد، به گونه‌ای که اولین انتخابات مجلس ایران به دنبال پیروزی نهضت مشروطیت در مهرماه ۱۲۸۵ هجری شمسی مطابق با شعبان ۱۳۲۴ هجری

قمری برگزار گردید (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۵۱). پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز یکی از اصلی‌ترین ساز و کارهای شرکت مردم در سرنوشت اجتماعی خویش و یکی از بارزترین عرصه‌های مشارکت در امور جامعه اسلامی، برگزاری انتخابات در نظر گرفته شده است.

۴. مبانی انتخابات

منظور از مبانی انتخابات مجموعه ادله فقهی و حقوقی است که برگزاری انتخابات در نظام‌های مردم سالاری دینی بر مبنای آنها توجیه می‌گردد. از همین رو می‌توان مبانی انتخابات را در دو بخش مجزای مبانی حقوقی از جمله حق تعیین سرنوشت، نظریه نمایندگی و... و مبانی فقهی از جمله بیعت و شورا و.. مورد مطالعه قرار داد.

۴-۱ مبانی حقوقی انتخابات

۴-۱-۱ حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت یکی از بنیادی‌ترین حق‌های دموکراتیک است که به طور مستقیم در خدمت ارزش‌های دموکراتیک می‌باشد. در واقع این حق یکی از واضح‌ترین و اساسی‌ترین تضمین‌های تأمین ارزش‌های کرامت انسانی، برابری ارزشی، استقلال، خودمختاری و آزادی است. حق تعیین سرنوشت از گذشته‌های دور به خصوص دوران جنگ‌های مذهبی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در اروپا (۱۶۴۸-۱۳۱۸م) و پیدایش دولت‌های نوین در این قاره سرچشمه می‌گیرد. آزادی مردم در تعیین سرنوشت خود نتیجه منطقی آزادی و حاکمیت ملی است و یکی از مسائل مهم نهفته در انقلاب بزرگ فرانسه بود و با این انقلاب اعتبار جهانی یافت (خسروی، ۱۳۸۷: ۷۳ و ۷۴). امروزه حق تعیین سرنوشت جزء حقوق موضوعه مصوب سازمان ملل، یکی از حقوق مسلم در حقوق بین‌الملل و به عنوان بخشی از حقوق بشر به شمار می‌آید. منشور ملل متحد (مواد ۱، ۵۵، ۷۳ و ۷۶)، ماده (۱) مشترک دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ که در سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردیده‌اند، ماده (۲۳) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ و قطعنامه مصوب ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل درباره تشکیل شورای حقوق بشر از مواردی هستند که یادآور شده و تأکید کرده‌اند که همه ملت‌ها از حق تعیین سرنوشت برخوردارند. شاید بتوان گفت معتبرترین و مهم‌ترین متن درباره این حق، ماده (۱) مشترک میثاقین است که مقرر می‌دارد: «همه ملل

دارای حق خودمختاری هستند...». از هنگام تصویب این دو میثاق، این حق به عنوان حقوقی اصلی و الزام آور به رسمیت شناخته شده است (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

۴-۱-۲ نظریه نمایندگی

از آن زمان که «قدرت سیاسی» به صورت نهادی با ویژگی‌های ثابت و تداوم به اعمال حکومت و اداره امور سیاسی در جامعه پرداخته، این سؤال ذهن متفکران و اندیشمندان را به خود مشغول داشته است که «حاکمیت» به معنای قدرتی که در رأس همه قرار گرفته و هیچ قدرتی مافوق آن نیست، در تحلیل نهایی از آن کیست؟ (مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۷۰: ۱۳۵)

از دیرباز تاکنون نظریه‌های مختلفی در پاسخ به سؤال مذکور پدیدار گشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از نظریه‌های حاکمیت الهی، حاکمیت فردی، حاکمیت گروهی، حاکمیت مردم و حاکمیت ملی (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۵۸). هر کدام از نظریات مذکور در طول تاریخ طرفدارانی را به خود جلب کرده است. اما امروزه متعاقب تجربیات گوناگون و درازمدت بشری در نوع و شیوه حکومت، نظریه حاکمیت ملی مقبولیت عام یافته و لااقل بر روی کاغذ مورد پذیرش اکثر قریب به اتفاق جوامع سیاسی جهان قرار گرفته است (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۱). در حاکمیت ملی قدرت یکپارچه و متحد مجموعه افراد از طریق نمایندگی (دموکراسی غیرمستقیم) بر سرنوشت افراد فعلیت می‌یابد. (هاشمی، ۱۳۸۳: ۴). در عصر کنونی، در مورد تعلق حاکمیت به مردم یا به ملت تقریباً اجماع حاصل گشته و اصل مشارکت مردم و برگزاری انتخابات در اعمال اقتدار سیاسی پذیرفته شده است، اما آنچه محل تنازع و تقابل قرار گرفته، نحوه اعمال این مشارکت است، چنانچه که از زمان تحقق نظام‌های دموکراسی جدید همواره این موضوع دغدغه ذهنی اندیشمندان سیاسی و دولتمردان بوده است (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۱). طراحان اولیه نظریه حاکمیت مردم از جمله ژان ژاک روسو، اعتقاد به دموکراسی مستقیم داشتند، چرا که آنان با طرح غیر قابل انتقال بودن حاکمیت، پدیده «نمایندگی» را نپذیرفته و عقیده داشتند که مردم باید بی واسطه و بی نماینده حکومت کنند (رحیمی، ۱۳۵۷: ۱۱۹). اگر چه در یک تحلیل دموکراتیک، حکومت متعلق به عموم مردم است که به نسبت مساوی در این حق شریکند، اما اتخاذ شیوه دموکراسی مستقیم در جوامع امروز که جمعیت آنها در اغلب موارد از میلیون‌ها نفر تجاوز می‌کند عملاً میسر نیست (بوشهری، ۱۳۸۴: ۱۴۵). از سوی دیگر، ضرورت مداومت کار قانونگذاری، منطقی نبودن همه پرسی در مسائل تخصصی، لزوم آشنایی با بسیاری از مسائل

اجتماعی، آشنا نبودن همه رأی دهندگان با اصطلاحات و مفاهیم حقوقی و آثار و نتایجی که بر آنها مترتب است و بسیاری ادله دیگر، اجرای نظریات مربوط به دموکراسی مستقیم را منطقاً دچار اشکال می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۱۱۴). با در نظر گرفتن تنگناهای یاد شده، امروزه انتخاب شیوه دموکراسی غیر مستقیم و توسل به پدیده نمایندگی در امور حکومتی امری اجتناب ناپذیر می‌نماید. در واقع نیز، در جهان کنونی، مشارکت مردم در اعمال قدرت سیاسی، جنبه غیر مستقیم دارد و «نظریه نمایندگی» یا به عبارتی گزینش حکومت کنندگان از طریق «انتخابات» در اکثر ممالک دنیا پذیرفته شده و مورد اجرا است. بنابراین به نظر می‌رسد انتخابات مهم‌ترین ابزار مردم سالاری محسوب می‌شود تا آنجا که در فرهنگ سیاسی امروز مفهوم «انتخابات» با مفهوم دموکراسی عجین شده و از یکدیگر تفکیک ناپذیرند (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

۴-۲ مبانی فقهی انتخابات

اندیشمندان دینی بر اساس آموزه‌های اسلام برای امر انتخابات مبانی متعددی را مطرح نموده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۴-۲-۱ حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش

بر مبنای اندیشه توحیدی حاکمیت تنها در انحصار خداوند متعال قرار دارد. بر اساس ملاک‌ها و معیارهای حاکمیت توحیدی، خداوند متعال حاکم و مالک بر همه جهان است و هیچ کس غیر از ذات باری تعالی حق تصرف در هیچ یک از امور مردم را ندارد مگر آن کسانی که از طرف وی نصب گردیده باشند (جعفر پور، ۱۳۸۹: ۵۶). حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش نیز نتیجه منطقی اصل اعتقادی «آزادی و اختیار انسان» و حاکمیت او بر سرنوشت خویش است که به حکم مشیت الهی او آزاد، مختار، مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش آفریده شده است و به او شرافت و کرامت ذاتی و شایستگی خلافت الهی داده شده است و هم اوست که باید در عمل نیز این شایستگی و استعداد را به منصه بروز برساند و جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. اراده و مشیت خداوند به صورت سنت‌ها و قانونمندی‌های کلی در سراسر جهان هستی جریان دارد و این سنت‌ها تغییر پذیر نیستند «فلن تجد لسته الله تبديلاً» (فاطر، ۴۳). انسان، خود نیز بنا بر ایمان به خدا، خود را در برابر خدا مسئول می‌بیند و برای اطمینان از خشنودی خدا و رسیدن به کمال شایسته خود، نسبت به اطاعت وحی و فرمان خدا احساس مسئولیت می‌کند؛ اینجاست که دو رشته حاکمیت به هم می‌رسد و در اراده آزاد انسان، نسبت به اطاعت از وحی، هم حاکمیت خدا و هم

حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش، متجلی می‌گردد (عمید، زنجانی، ۱۳۸۷: ۹۱).

۴-۲-۲ بیعت

بیعت در لغت به معنای قراردادی طرفینی است، همانطور که در بیع، کالا در برابر کالا یا پول قرار می‌گیرد (ابن اثیر، ۹۶۶: ۱۷۴). در نظام‌های الهی، مانند نظام جمهوری اسلامی که حاکمیت، از آن خدا شمرده شده و بنابر رأی مشهور و نظر بنیان‌گذار آن، فقها به طور غیرمستقیم از ناحیه خداوند، برای ولایت و حاکمیت نصب گردیده‌اند، انتخاب حاکم ماهیتی متفاوت با انتخاب حاکم در نظام‌های دموکراتیک پیدا می‌کند. در این دیدگاه که همه فقها از ناحیه امام معصوم به این مقام برگزیده شده‌اند، «رأی مردم» یکی از آنان را مبسوط الید می‌گرداند و با بسط ید یکی از ایشان، بقیه مجاز به دخالت در امور حکومت نخواهند بود.

می‌توان گفت «رأی دادن» در جوامع امروزی، شکل دیگری از «بیعت» در گذشته است و بسته به مبانی نظام سیاسی که رأی و انتخاب در آن پیش بینی شده است، می‌تواند هم به منزله اعلام وفاداری به کسی باشد که از سوی خداوند، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، به مقامی منصوب گشته و به اصطلاح امروزی جنبه کارآمدی داشته باشد و هم می‌تواند به مثابه نصب فردی به حاکمیت بوده و به اصطلاح امروزی، جنبه مشروعیت بخشی داشته باشد (پورحسین، ۱۳۸۶: ۹۹). به هر حال با توجه به نظر برخی از اساتید معاصر که بیعت و انتخاب را از هم بیگانه و جدا ندانسته‌اند، میان بیعت و رأی دادن و انتخاب کردن از نظر ماهیت، تفاوتی به نظر نمی‌رسد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق: ۵۱۷). می‌توان گفت همان طور که مسلمانان، با حاکم بیعت می‌کردند تا وفاداری و اطاعت خود را از او در جهت اصلاح امور جامعه اعلام کنند، در جوامع امروزی نیز مردم با انتخاب مثلاً رئیس جمهور، به منزله مسئول اصلاح امور جامعه آمادگی خود را در جهت وفاداری و همکاری با او اعلام می‌کنند (پورحسین، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۴-۲-۳ شورا

اصل شورا به عنوان شیوه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی، بر پایه قرآن و سنت استوار است. با توجه به آیات قرآن که در زمینه خصایص و شیوه عملکرد مؤمنان (و آمرهم شوری بینه‌ام)^(۱) و نیز به صورت دستوری بر پیامبر (ص) (و شاورهم فی الأمر)^(۲) آمده اهمیت اصل

شورا در کلام وحی روشن می‌گردد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۷: ۷۴). در مورد آیه اخیر، چنانچه از تفاسیر برمی‌آید، شخصیت سیاسی پیامبر (ص) مورد خطاب قرار گرفته، و واژه «امر» به امور اجرایی تقید می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۰: ۳۹۷)، زیرا مقصود از «امر»، امور شخصی پیامبر (ص) نیست، و نیز پیامبر در امر رسالت و شریعت با کسی مشورت نمی‌کند، بلکه صرفاً امر زعامت و محدود به امور اجرایی است، از این رو مسئولان سیاسی و زعمی امت، مورد خطاب قرار گرفته‌اند، و این دستور به پیغمبر اکرم (ص) اختصاص ندارد (معرفت، ۱۳۷۶: ۸۷). همچنین با بررسی نمونه‌های عملی در سیره پیامبر اسلام (ص) و معصومین (ع) نیز مشاوره‌های فراوان ثبت شده است، از جمله آنکه پیغمبر اکرم (ص) خصوصاً در جنگ‌ها، صاحب‌نظران نظامی را بارها به مشورت طلبیده است. علاوه بر آن، گفتارهای فراوانی در اسناد خبری از آن بزرگواران موجود است که مردم را تشویق و ترغیب به مشورت نموده^(۲) و از استبداد و خودرأیی برحذر داشته‌اند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۴۸۸).

مسئله مهم، کیفیت اجرای این اصل اسلامی است که به دو صورت قابل تصور است:

- ۱- شورا به عنوان بازوی مدیریت و مغز متفکر و ارشادکننده و اهرمی برای کنترل مدیریت است. چنین شورایی از مسئولیت‌های مدیریت مبرا است و در صورت مشاهده خلاف، می‌تواند از طریق مراجع قانونی مدیریت را بازخواست کند.
- ۲- شورا به عنوان مقام تصمیم‌گیرنده و جایگزین مدیریت فردی و عهده دار مسئولیت‌ها و وظایف مدیریت سازمان است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۷: ۷۴).

۵. انواع انتخابات

از زمان شکل‌گیری اولین حکومت‌های دموکراتیک تا کنون شیوه‌های مختلفی برای انتخابات و اخذ آراء معمول گردیده است. انتخابات باید به صورتی برگزار شود که بیشترین رابطه ممکن بین انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان برقرار باشد تا بتوان نسبت به حاکمیت مردم امیدوار بود (هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۴). در اینجا به ذکر برخی از مهم‌ترین شیوه‌های انتخابات می‌پردازیم.

۱. آل عمران، ۱۵۹.

۲. عن علی (ع): «من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء» (نهج البلاغه-کلمات قصار ۱۹۳/۳)

۵-۱ انتخابات مستقیم و غیر مستقیم

منظور از مستقیم و یک درجه‌ای بودن انتخابات آن است که رأی دهندگان بی واسطه و مستقیماً نمایندگان خود را انتخاب کنند. در انتخابات غیر مستقیم که معمولاً دو درجه‌ای است، انتخاب کنندگان عده‌ای را، که شماره آنها در قانون تعیین شده است، انتخاب می‌کنند، و اشخاصی که بدین ترتیب برگزیده شده‌اند، از میان خود یا خارج از خود مجدداً نماینده یا نمایندگان مورد نظر را تعیین می‌نمایند (صفار، ۱۳۶۹: ص ۶۵).

در جمهوری اسلامی ایران، جز در مورد تعیین رهبر که با روش انتخابات غیرمستقیم و دو درجه‌ای انجام می‌پذیرد (اصل ۱۰۷)، در بقیه موارد، یعنی گزینش رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای محلی، به تصریح قانون اساسی (اصول ۱۱۴ و ۶۲ و ۱۰۰) و قوانین عادی انتخاباتی (ماده ۷ قانون انتخابات مجلس، ماده ۹ انتخابات ریاست جمهوری، ماده ۱۷ قانون شوراهای اسلامی) انتخابات مستقیم مقرر شده است (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۸).

۵-۲ انتخابات محدود و همگانی

انتخابات زمانی محدود است که در آن منحصرأ افراد معینی از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار باشند. مشخص‌ترین نمونه آن، انتخابات «صنفی» است، که در قدرت شرکت در انتخابات را فقط به طبقات و یا صنف‌های معین اعطا می‌کند. چنانچه بر اساس ماده (۶) نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۲۰ رجب ۱۳۲۴ قمری) انحصاراً گروه‌های شش گانه شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، زمین داران و اصناف از این حق برخوردار و بقیه مردم از حق دخالت در انتخابات محروم بودند (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

اما انتخابات همگانی، از لحاظ حقوقی به انتخاباتی گفته می‌شود که حق رأی، بدون شرط محدود کننده صنفی، طبقاتی، جنسی، مذهبی و یا نژادی، متعلق به همه شهروندان باشد. البته نباید تصور کرد که وقتی صفت همگانی را به رأی یا انتخاباتی اطلاق می‌کنیم، منظور این است که در قوانین هیچ گونه شرایطی وجود نداشته باشد، زیرا در انتخابات همگانی محدودیت‌های گوناگونی برای کنار زدن برخی افراد به چشم می‌خورد که این رویه امری طبیعی است. کنار گذاشتن برخی از افراد، اگر در جهت مصلحت عام و بدون اغراض سیاسی صورت گیرد، بر اساس دک‌ترین حقوقی، خلاف اصل همگانی بودن انتخابات نیست (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۵۸۸).

قانون اساسی اگرچه صراحتاً متعرض همگانی بودن و یا محدود بودن انتخابات نشده، اما تلویحاً در اصول متعدد خود با ذکر این نکته که مجلس شورای اسلامی از نمایندگان «ملت» تشکیل می‌گردد (اصل ۶۲) و یا اعضای شوراها را «مردم» محل انتخاب می‌کنند (اصل ۱۰۰) و یا رئیس جمهور با رأی «مردم» انتخاب می‌شوند (اصل ۱۱۴) بر عمومی بودن آن صحنه نهاده است. این امر، یعنی همگانی بودن انتخابات با صراحت در قوانین عادی انتخابات (ماده ۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۹ انتخابات ریاست جمهوری...) مقرر گشته است (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۷).

۵-۳ انتخابات اکثریتی یک مرحله‌ای (ساده) و دو مرحله‌ای:

در انتخابات اکثریتی یک مرحله‌ای، انتخابات به سادگی برگزار می‌شود و برای انتخابات کسب اکثریت نسبی کافی است، بدین معنی که دارنده بیشترین آراء نسبت به سایرین، منتخب نمایندگی تلقی می‌شود. این نوع انتخابات در بریتانیا، کانادا، هند و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در انتخابات اکثریتی دو مرحله‌ای، برای انخاب شدن در مرحله اول، باید اکثریت مطلق آراء (رأی بیش از نصف رأی دهندگان) کسب شود. اگر این اکثریت برای مرحله اول به دست نیامد انتخابات در مرحله دوم انجام می‌پذیرد، که این بار، دارندگان اکثریت نسبی انتخاب می‌شوند. این نوع انتخابات در کشورهای اتریش، فلاند، کلمبیا و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۴).

۵-۴ انتخابات علنی و مخفی:

در انتخابات علنی، انتخاب کننده طوری رأی می‌دهد که تمایل و تصمیم او آشکار است، در انتخابات مخفی، کسی از تصمیم صاحب رأی آگاه نیست و ورقه رأی هیچ علامتی ندارد تا معلوم شود که صاحب رأی چه کسی بوده است (رحیمی، ۱۳۵۷: ۱۲۸). مسلماً انتخابات مخفی با اصول دموکراسی سازگارتر است؛ چرا که آشکار بودن محتوای رأی به آزادی انتخابات لطمه وارد می‌آورد؛ زیرا در صورت علنی بودن رأی، ممکن است رأی دهنده در معرض فشار قدرت دولت و یا صاحب نفوذان سیاسی و اجتماعی قرار گیرد. مخفی بودن انتخابات در جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی (اصل ۶۲) و قوانین انتخاباتی (ماده ۵ قانون انتخابات مجلس خبرگان، ماده ۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماده ۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) اعلام و مورد تأکید قرار گرفته است (هریسی

نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۷).

۵-۵ انتخابات اختیاری و اجباری

چنانچه به رأی دادن همچون استفاده از حق، نگریسته شود، شرکت در امر انتخابات اختیاری است، چرا که نمی‌توان کسی را وادار به استفاده از حق خود کرد. شهروند مخیر است در صورت تمایل، در انتخابات شرکت کند یا از آن امتناع ورزد. اینگونه انتخابات را اختیاری می‌نامند. لکن اگر مشارکت در انتخابات، یک کار ویژه اجتماعی تلقی شود، ممکن است انجام این وظیفه طبق قانون اجباری گردد. برخی از نظام‌ها شرکت در انتخابات را مستقیماً نوعی تکلیف دانسته و اجباری ساخته‌اند. البته تعداد کشورهایی که این طریقه را برگزیده‌اند چندان زیاد نیست ولی قانونگذارانی که هوادار اجباری کردن انتخابات می‌باشند، استدلال کرده‌اند که اگر شرکت در انتخابات اختیاری باشد، بخش مهمی از مردم ممکن است به دلایلی از قبیل بی‌علاقگی و مخالفت با میدان داران سیاست در انتخابات شرکت نکنند. در کشور بلژیک و لوکزامبورگ، رأی دادن در سراسر کشور اجباری است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۵۹۳).

۵-۶ انتخابات فردی و جمعی:

در صورتی که حوزه انتخاباتی واجد یک کرسی پارلمانی باشد، هر رأی دهنده باید فقط به یک نفر رأی دهد، یعنی تنها نام یک نفر را بر برگ رأی بنویسد. نهایتاً یکی از داوطلبان با کسب رأی اکثریت انتخاب می‌گردند. اینگونه آراء را تکنام یا فردی می‌خوانند. در انتخابات ریاست جمهوری، لزوماً آراء تکنام است. در حوزه‌های بزرگ، ممکن است داوطلبان منفرد، برای کسب چند کرسی نمایندگی، رقابت نمایند. در این خصوص رأی دهندگان باید بر روی برگه رأی، نام چند کاندیدای مورد نظر را ذکر کنند که به آن آراء چند نام یا جمعی می‌گویند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۵).

۵-۷ انتخابات لیست بسته و لیست باز

در صورتی که طبق قانون انتخابات، رأی دهنده اجبار داشته باشد که بی‌کم و کاست، به همه لیست رأی بدهد، این طریقه را «لیست بسته» می‌نامند. در این صورت، شهروند با انتخاب لیست حزب یا گروه مورد نظر، اجباراً باید عین لیست را بدون خط زدن به همانگونه ای که هست بپذیرد و در صندوق بیندازد. ولی اگر از لحاظ قانونی، امکان خط

زدن برخی از نام‌های مندرج در لیست و اضافه کردن تعدادی نام دیگر (البته تا حد مجاز) وجود داشته باشد، شیوه «لیست باز» یا «لیست ترکیبی» برقرار است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۵۹۶).

۶. انتخابات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به توضیحات ذکر شده، در این قسمت به مقوله انتخابات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

اندیشه مردم سالاری و حق مشارکت همه افراد در اداره امور کشور دغدغه دیرینه‌ای است که قدمت آن در ایران به بیش از یکصد سال پیش برمی‌گردد. بعد از انقلاب مشروطیت، انتخابات مجلس شورای ملی، مهم‌ترین انتخابات بود و تنها در ۳۰ سال آخر عمر رژیم پهلوی، انتخابات سنا هم با ضوابط خاص خود اضافه گردید. قانون انتخابات صدر مشروطیت (۱۳۲۹ق) بارها در معرض تغییر و اصلاح قرار گرفت، از جمله در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۲۲، ۱۳۳۶ و ۱۳۴۱ شمسی که برای هر تغییر، اغراض و اهداف خاصی وجود داشت (مدنی، ۱۳۸۲: ۵۲).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در پی آن، تدوین قانون اساسی و استقرار ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران، الگوی جدیدی از نظام سیاسی پا به عرصه حیات گذاشت که علاوه بر عنوان رسمی آن، یعنی «جمهوری اسلامی»، از آن تحت عنوان «مردم سالاری دینی» نیز یاد می‌شود. ویژگی اختصاصی و منحصر به فرد نظام مردم سالاری دینی ایران این است که با ابتنای بر حاکمیت دین اسلام، حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی‌شان از طریق انتخابات را به رسمیت شناخته است (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۳). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با محور قرار دادن مردم، حاکمیت ملی را در اصول متعدد دیگر به ترتیبی مقرر داشته است که تمام مفاهیم و پدیده‌های سیاسی به آن مربوط می‌شود. در قانون اساسی اصول متعددی به طور مستقیم و یا به شکل غیر مستقیم به موضوع مشارکت سیاسی مردم و اصل انتخابات پرداخته شده است (هاشمی، ۱۳۸۳: ۶۱). در ذیل به برخی از اصول مذکور اشاره می‌شود:

در مورد نحوه تحقق اصل مشارکت مردم در قدرت سیاسی، به موجب اصل (۵۶)، «ملت این حق خداداد» (حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش) را از طرقی که در اصول دیگر می‌آید، اعمال می‌کند. با دقت در اصول دیگر مشخص می‌شود که قانون اساسی از یک

طرف تکیه بر حقوق هر یک از افراد در تعیین سرنوشت خویش (دموکراسی مستقیم - حاکمیت مردم) دارد و از طرف دیگر به اصل مبتنی بر اعمال حق ملت (دموکراسی غیر مستقیم - حاکمیت ملی) اشاره دارد. به عبارت دیگر عرصه‌های همه پرسی و انتخابات در قانون اساسی کشورمان به نحو دقیق روشن شده است. به عنوان مثال توسل به همه پرسی (دموکراسی مستقیم) در موارد استثنایی و تحت شرایط خاص پیش بینی شده است (اصل ۵۹)، همچنین به منظور تحقق حاکمیت ملی از طریق انتخابات، دموکراسی غیر مستقیم در اصول متعددی از قانون اساسی مورد شناسایی قرار گرفته است که از جمله آنها می‌توان به انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی (اصل ۶ و ۵۸) در مرحله وضع قانون، انتخاب رئیس جمهور (اصل ۶۲) و انتخاب اعضای شوراهای محلی (اصل ۱۰۰) در مرحله اجرای قانون اشاره نمود (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۵). نمایندگان مجلس خبرگان که وظیفه انتخاب رهبری را بر عهده دارند، توسط مردم برای مدت هشت سال انتخاب می‌شوند. بدین ترتیب انتخاب رهبر (اصل ۱۰۷) در جمهوری اسلامی ایران به صورت غیرمستقیم می‌باشد (جهانگیر، ۱۳۸۱: ۱۱۵). در جمهوری اسلامی ایران، محور اساسی حاکمیت ملت از طریق نمایندگان مجلس اعمال می‌گردد. مجلس شورای اسلامی، نقش بسیار مهمی در اداره کشور دارد که علاوه بر قانونگذاری، وظایفی چون رأی اعتماد به وزرا، سؤال، تذکر و استیضاح رئیس جمهور و وزرا، تصویب بودجه کل و وظایف مهم دیگر که در اصل ۸۷ به بعد به آن اشاره شده است (صادقی نشاط، ۱۳۷۸: ۵۲).

جمع بندی

در نهایت می‌توان گفت انتخابات، ساز و کاری برای شکل گیری یک نظام سیاسی و انتخاب مقامات و نهادهای سیاسی است. با چنین نگرشی، انتخابات به عنوان ابزار و مکانیسم تصمیم گیری جمعی و در خدمت اراده مردم برای تأسیس حکومت و پرکردن کرسی‌های نمایندگی در نظام مردم سالاری می‌باشد.

حق تعیین سرنوشت و مورد پذیرش قرارگرفتن نظریه حاکمیت ملی از جمله مبانی حقوقی امر انتخابات در جوامع مردم سالار می‌باشد. در تعالیم دین مبین اسلام نیز برخی مبانی برای انتخابات وجود دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان بیعت و شورا را نام برد.

در کشورهای مختلف جهان انواع گوناگونی از انتخابات برگزار می‌گردد که از مهم‌ترین و رایج‌ترین آنها می‌توان به انتخابات مستقیم و غیرمستقیم، یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای،

علنی و مخفی و ... اشاره نمود.

از آنجا که نظام حاکم بر جمهوری اسلامی ایران مردم سالاری دینی است، به منظور تحقق اصل مشارکت مردم در قدرت سیاسی، امر انتخابات در اصول متعددی از قانون اساسی مورد شناسایی قرار گرفته است که از جمله آنها می‌توان به انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی (اصل ۶ و ۵۸) و انتخاب رهبری (اصل ۱۰۷)، انتخاب رئیس جمهور (اصل ۶۲) و انتخاب اعضای شوراهای محلی (اصل ۱۰۰) اشاره نمود.

منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر

الف) کتب

۱. ایوبی، حجت الله (۱۳۷۹)، اکثریت چگونه حکومت می‌کنند، سروش.
۲. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۵)، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، تاریخ ایران.
۳. برزگر مهری، مجید (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. سائلی کرده ده، مجید (۱۳۸۷)، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. طباطبایی، سید محمد (۱۳۸۱)، سیاست و انتخابات در ایالات متحده آمریکا، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. عباسی لاهیجی، بیژن (۱۳۸۸)، نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳.
۷. علیزاده، جواد (۱۳۸۳)، تحلیلی بر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، قومس.
۸. کمالی اردکانی، علی اکبر، اهمیت انتخابات از دیدگاه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. گلشن پژوه، محمد رضا (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۱۰. گودوین گیل، گای اس (۱۳۷۹)، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین الملل، ترجمه سید جمال سیفی - سید قاسم زمانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی

شهر دانش.

(ب) مقالات

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، شورای نگهبان و نظارت بر انتخابات، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴.
۲. موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، نظارت انتخاباتی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲.

منابع و مآخذ

(الف) کتب

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، علی (۱۳۸۹)، انتخابات در ایران، میزان
۳. ابن اثیر، نهاییه (۱۹۶۶م)، مکتبه المعارف.
۴. بوشهری، جعفر (۱۳۸۴)، حقوق اساسی: مشتمل بر کلیات حقوق اساسی، حقوق اساسی ایران، دانشگاه تهران.
۵. جعفرپور، رشید (۱۳۸۹)، ولایت فقیه در فقه سیاسی شیعه، نشریه اطلاع رسانی و کتابداری.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش.
۷. جهانگیر، منصور (۱۳۸۱)، قوانین و مقررات مربوط به انتخابات جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. خسروی، حسن (۱۳۸۷)، حقوق انتخابات دموکراتیک، مجد.
۹. رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، امیرکبیر.
۴۰. صادقی نشاط، امیر (۱۳۷۸)، معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران، الهدی.
۱۱. صفار، محمدجواد (۱۳۶۹)، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۲. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰)، پرتوی از قرآن، ج ۳، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. عباسی، بیژن (۱۳۸۸)، مبانی حقوق اساسی، جنگل.
۱۴. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹)، دانشنامه فقه سیاسی، دانشگاه تهران.
۱۵. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶)، فقه سیاسی، جلد اول: حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امیرکبیر.

۱۶. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷)، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجد.
۱۷. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، بایسته‌های حقوق اساسی، میزان.
۱۸. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، میزان.
۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، همراه.
۲۱. مکارم شرازی، ناصر (۱۴۱۳ق)، أنوار الفقاهه، ج اول، مدرسه الامام امیر المؤمنین.
۲۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۶)، فقه سیاسی، موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع).
۲۳. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، میزان.
۲۴. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج دوم، میزان.
۲۵. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، میزان.
26. Rose, Richard, (editor in chief) and others, international encyclopedia of elections, (London: macmillan press, 2000).
27. Le Duce, Lawrence, Niemi, Richard C. and Norris Pippa, Comparing Democracies 2, (London: SAGE Publications, 2002).

(ب) مقالات

۱. پور حسین، احسان (۱۳۸۶)، جایگاه بیعت و انتخابات در نظام سیاسی اسلام، مجله علوم سیاسی، سال دهم، شماره ۳۹ و ۴۰.
۲. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۲)، انتخابات در ایران؛ گذشته و حال، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال دوم، شماره ۱۵.
۳. مهسوری، محمد حسین (۱۳۸۷)، بیعت یا انتخابات، تأملی در مقاله «بیعت و نقش آن در حکومت اسلامی»، مجله حکومت اسلامی، سال سوم، شماره ۶۳.
۴. مرتضایی، سید احمد (۱۳۸۹)، پاسخ به شبهات «نظارت استصوابی» با رویکرد فقهی، مجله حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۱.
۵. هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۸۰)، نظری بر ابعاد حقوقی انتخابات و راه‌های توسعه آن، مجله پژوهش‌های فلسفی، شماره ۱۸۰ و ۱۸۱.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir